

آرزوئی «خلاف جریان» برای یک حل و فصل کلی

ژرژ کورم Georges CORM (وزیر دارائی پیشین لبنان و مولف کتاب «مسئله مذهبی در قرن بیست و یکم،

انتشارات لادکوورت، پاریس، ۲۰۰۶)

دولت آمریکا وصول به یک راه حل کلی برای کشمکش های خاورمیانه را به تحقق سه عامل اساسی منوط کرده است. حکومت های اروپائی نیز بطور گسترده ای از آن جانبداری میکنند. این ها عبارتند از نابودی حماس در غزه و کرانه باختری، و نابودی حزب الله در لبنان یا دست کم شاخه های نظامی آن ها؛ خنثی سازی رژیم های ایران و سوریه که بدیده آنان با سیاست ایجاد ثبات مورد نظر شان مخالفت میکنند؛ همه گیر شدن دموکراسی و حکومت قانون در جوامع عربی منطقه با حمایت آمریکا و اروپا.

گویا پیروزی بر تروریسم خاورمیانه ای به موفقیت این سیاست بستگی دارد که حکومت ها، احزاب سیاسی و جامعه مدنی عربی باید آن را با توان به اجرا در آورند. این امر به یافتن راه حلی برای مسئله فلسطین کمک خواهد کرد. زیرا در آنصورت، شاید اسرائیل نسبت به آینده اش و نیز پذیرش صلح آمیز خود در خاورمیانه مطمئن شده و با پس دادن تکه سرزمین هایی به ظهور یک دولت فلسطینی رضایت دهد.

بدیده شماری از رسانه ها و احزاب سیاسی غربی، عملیات ارتش آمریکا و ارتش اسرائیل در منطقه هدف دیگری ندارند. گویا قصد آنان رها کردن جهان از تروریسم و استقرار صلح و دموکراسی است. دکترین غربی در مورد خاورمیانه در این چند کلمه خلاصه میشود.

دیدگاهی که در این نوشته بسط داده میشود، دیدگاهی «برخلاف جریان» است که حتما آن را غیرواقع بینانه و خطرناک ارزیابی خواهند کرد. با وجود این، طرح آن ضروری است. به نظر ما، این دیدگاه، آرمان های بسیاری از دموکرات ها و صلح طلبان منطقه را، چه یهودی و مسیحی و چه مسلمان بازتاب میدهد. این دیدگاه از حقوق مقرر شده از سوی جامعه بین المللی درباره

کشمکش اسرائیل - فلسطین از سال ۱۹۴۷ الهام گرفته و از این برداشت درست حرکت میکند که خشونت‌ی که سرتاسر منطقه لبنان - سوریه - فلسطین را فراگرفته، بطور وسیعی از اشغال سرزمین‌های این سه کشور توسط اسرائیل ناشی شده و نیز محصول رفتاری است که اشغالگران یعنی ساکنین سرزمین‌های اشغال شده بطور روزانه با زیرپا گذاشته شدن حقوق و اصول انسانی تحمل میکنند.

۱ - بنا بر روح حاکم بر مصوبات سازمان ملل متحد در مورد کشمکش اسرائیل - فلسطین در سال‌های ۱۹۴۸ و ۱۹۴۹، سرزمین فلسطین، از مدیترانه تا رود اردن، جامعه‌ای است چند قومی؛ هیچ قوم و فرقه مذهبی هیچگونه حق انحصاری برای تصرف سیاسی یا نظامی آن ندارد؛ بیت المقدس یک شهر آزاد است که باید توسط یک شورای شهر مرکب از تعداد مساوی یهودی، مسیحی و مسلمان اداره شود.

۲ - مطابق نظریه دیوان داوری لاهه در سال ۲۰۰۴، دیوار حائل ساخته شده توسط اسرائیل در کرانه باختری برای محبوس ساختن اهالی [فلسطینی] این سرزمین باید بی وقفه خراب گردد تا فلسطینیان بتوانند آزادانه رفت و آمد نمایند. رفت و آمد آنان به خارج - به استثنای ورود به خاک دولت اسرائیل - دیگر توسط اسرائیل کنترل نشود، بلکه منحصرأ توسط تشکیلات فلسطینی و سرویس‌های انتظامی مصر و اردن در مرزهای زمینی با این دو کشور کنترل شود. اسرائیل باید فوراً به محاصره هوایی، دریائی و زمینی فلسطینیان خاتمه دهد.

۳ - ساکنان شهرک‌های استعماری اسرائیلی که با نقض کنوانسیون ژنو ساخته شده‌اند، پس از پرداخت غرامت توسط دولت اسرائیل به فلسطینی‌هایی که زمین‌هایشان غصب شده، اجازه ادامه اقامت در این اماکن را خواهند یافت. در محاسبه غرامت باید نرخ بهره قانونی با تکیه بر نرخ رایج میان بانک‌ها برای سپرده‌های دلاری به مدت یک سال و در بازار لندن محاسبه شود.

۴ - در اجرای قطعنامه ۱۹۴ مصوبه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۱ دسامبر ۱۹۴۸، فلسطینی‌ها و فرزندانشان که اخراج شده یا در مقابل پیشروی ارتش اسرائیل در ۱۹۴۸ و سپس در ۱۹۶۷ فرار کرده‌اند، از حق بازگشت به سرتاسر سرزمین تاریخی فلسطین برخوردار شده و یا از دولت اسرائیل غرامت دریافت خواهند کرد.

۵ - ارتش اسرائیل می بایست مناطق تحت اشغالش در کرانه باختری و غزه را در ظرف ۱۵ روز تخلیه کرده و جای خود را به یک نیروی بین المللی حافظ اهالی فلسطینی سرزمین های اشغالی بدهد.

۶ - در پایان یک دوره هفت ساله، در سرزمین های اشغالی از سال ۱۹۶۷ توسط اسرائیل و نیز در اسرائیل رفراندومی برگزار شود و شهروندان دو ملت در مورد زندگی در یک دولت فدرال یا متحد و یا دو دولت جداگانه رای خواهند دهند.

۷ - یک صندوق اعتباری برای پرداخت خسارت به فلسطینی های سرزمین های اشغال شده ایجاد شود که بطور مساوی از سوی کشور های G8^۸ [کشور بزرگ ثروتمند دنیا] و کشورهای عربی صادرکننده نفت (اوپک) به عنوان جبران اشغال و سلطه ای که در مدت چند دهه به اهالی تحمیل شده است، ایجاد شود .

۸ - مستقل از راه حل برگزیده شده، دولت اسرائیل - فلسطین یا دو دولت اسرائیل و فلسطین موظف خواهند بود که بیطرفی خود را در نظم بین المللی اعلام کرده و از روابط ویژه نظامی یا سیاسی با قدرت های بزرگ و قدرت های منطقه ای خودداری نمایند.

۹ - سرزمین جولان سوریه که از سال ۱۹۶۷ در اشغال اسرائیل است به دولت سوریه پس داده شده و نواحی امنیتی غیر نظامی شده در دوسوی مرز تعیین شود. ساکنان شهرک های استعماری [کولون ها] اسرائیلی که در این سرزمین زندگی میکنند، حق ادامه زندگی در آنجا را داشته باشند، با همان شرایطی که در مورد کولون های کرانه باختری ذکر شد. بلافاصله پس از تعیین نواحی امنیتی و پرداخت غرامت مربوط به شهرک های استعماری، روابط دیپلماتیک و اقتصادی میان دو کشور برقرار شود.

۱۰ - پس از استرداد سرزمین لبنانی مزارع شبعا که هنوز در اشغال اسرائیل است، دولت اسرائیل باید منطقه جنوب لبنان را مین زدائی نماید، اسرائیل این منطقه را به مدت ۲۲ سال و بانقض قطعنامه ۴۲۵ شورای امنیت در اشغال داشت و در ضمن از استقرار نیروهای محافظ سازمان ملل متحد در لبنان (فینول) تا مرزهای بین دو کشور جلوگیری میکرد. نواحی امنیتی غیرنظامی شده در دوسوی مرز تحت کنترل سازمان ملل قرا رخواهد گرفت. اعتباری برای پرداخت غرامت به لبنان جهت جبران مالی خسارت های اقتصادی مداوم که از سال ۱۹۶۸

توسط دولت اسرائیل وارد شده است، گشوده شود. عملیاتی که تحت لوای حق تلافی جویانه ای که اسرائیل بصورتی مداوم و با عدم تناسب غیرقابل وصف و افراطی اعمال کرده است. این اعتبار توسط دولت اسرائیل، کشورهای G8 و کشورهای عربی عضو اوپک با سهام مساوی تامین شود و بهره دیر کرد با همان اصول یادشده در بالا محاسبه گردد.

۱۱ – دولت اسرائیل موظف است بدون تاخیر، همه زندانیان فلسطینی کرانه باختری و غزه و نیز دستگیرشدگان لبنانی و سوری را آزاد نماید.

۱۲ – فلسطینی هائی که به شهروند اسرائیل تبدیل میگردند ، باید از حقوق مساوی سیاسی و مدنی برخوردار شوند. نظام انتخاباتی اسرائیل موظف است که حق نمایندگی عادلانه ای را برای آنان در پارلمان اسرائیل و انتخابات محلی تامین نماید ، همینطور در نهادهای اداری، نظامی و قضائی کشور.

لوموند دیپلماتیک ، دسامبر ۲۰۰۶.

برگردان : بهروز عارفی